

املاهای خمیری

زهرا نصیر زارع

آموزگار دبستان یار کوثر، منطقه ۱۵ تهران

خلاقیت در کارها رمز شادی و موفقیت است، چون وقتی خلاق باشی، برای گذشتن از سخت‌ترین موانع، راهی مناسب و معقول پیدا می‌کنی؛ راهی این بار تکراری انجام ندهی؛ چون کارهای تکراری انسان را خسته می‌کند.

برای تقویت املا باید انگیزه‌های قوی نیز برای خواندن داشته باشند. وقتی توانستند خوب بخوانند، هدف دوم که درست‌نویسی کلمه‌ها و جمله‌هاست، به ثمر می‌رسد. این نوع املا، این انگیزه را در بچه‌ها ایجاد کرد.

ابتدا بچه‌ها را طبق شرایط از پیش طراحی شده، گروه‌بندی کردم. پس از آن، با خمیر شروع به جمله‌سازی کردند. مثلاً با کلمه‌ها جمله می‌ساختند، نتیجه‌ای را که از درس گرفته بودند، با خمیر نشان می‌دادند و یا جمله‌ای را از درسی که در هر هفته برایشان جالب‌تر بود، می‌ساختند. آن‌ها کلمه‌های مهمی را نیز که در ذهنشان مانده بود، می‌نوشتند. در حقیقت، شور و اشتیاقی که بچه‌ها برای انجام این نوع املا داشتند و تلاش، برنامه‌ریزی و صحبت‌های آن‌ها با هم، تا رسیدن به

روز املاهای خمیری، مرا به انجام این کار تشویق کرد.

عکس ۳۳ روزه

محمدباقر نوریان لالی

آموزگار روستای حاجی کلا، محمودآباد

می‌خواستم عکس همه‌ی بچه‌ها را روی یک درخت بگذارم. بنابراین تصویر یک درخت با شاخه‌های بسیار را روی مقوا کشیدم و عکس همه‌ی بچه‌های کلاس را بدون در نظر گرفتن رتبه و امتیاز، روی شاخه‌ها چسباند.

بعد از چند روزه، زمزمه‌ی ناراحتی دانش‌آموزانی که عکس آن‌ها در قسمت پایین‌تر چسبانده شده بود، به گوشم رسید. با دیدن این واکنش‌ها به فکری تازه رسیدم. عکسی از خودم را که همیشه داخل کیف پولم بود، به سرعت درآوردم و در حضور دانش‌آموزان در زیر درخت و در قسمتی که انباشته از خاک و نزدیک به ریشه بود، چسباند. با این کار، بچه‌ها به تفسیر جدیدی از کار من پرداخته و هر کدام جملات گوناگونی را بر زبان راندند! سرانجام به بچه‌ها گفتم: «فکر می‌کنید هدف من

از انجام این کار چه بود؟ هر چه زودتر آن را برایم در دفتر انشایتان بنویسید.»

نمونه‌ای از جملاتی که دانش‌آموزان کلاس من نوشتند، به این ترتیب بود:

□ معلم ما خیلی باحال است! او می‌خواست به ما بگوید: «من خاک پای دانش‌آموزان هستم.»

ولی آقا معلم چون ما مخلصیم!

□ معلم... ریشه است. اگر او نبود درخت و شاخه‌ای هم نبود!

□ معلم هم مانند همه‌ی انسان‌ها از خاک است! اصلاً چه جای خوبی!

به این صورت، در کمتر از چند دقیقه، در فاصله‌ی بین زنگ تفریح و ساعت کلاس،

عکس تمام بچه‌ها در پایین‌ترین قسمت درخت و کنار عکس من چسبانده شده بود.

